

عنوان مقاله:

بررسی دیدگاه ملاشمسای گیلانی در مورد علم خداوند

محل انتشار:

فصلنامه فلسفه دین، دوره 17، شماره 2 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 19

نویسندگان:

الیاس موسوی خسروی - دانشجوی دکتری کلام امامیه، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، هیئت علمی دانشگاه پیام نور گیلان

یحیی کبیر - دانشیار گروه فلسفه و عرفان، پردیس فارابی دانشگاه تهران

خلاصه مقاله:

ملاشمسای گیلانی، یکی از چهره های درخشان و نامدار سده یازدهم هجری، در مکتب فلسفی اصفهان است که همچون بسیاری از بزرگان حکمت در عصر خودش، از جمله ملاصدرا و میرداماد، در تمسک جستن به آیات و روایات، برای اثبات مباحث فلسفی، دستی توانا داشت. او که از شاگردان نامی میرداماد بود، بیشترین تاثیر را نیز از او پذیرفت و سبک مشایبان و مبنای فکری آنها را از محضر او آموخت. ملاشمسا در برخی از مباحث فلسفی از قبیل: اصالت وجود، حرکت جوهری، علم پیشین خداوند و علم خداوند به ذاتش، با بسیاری از حکمای بزرگ (به ویژه رئیس بزرگ ترین مکتب عصر خود یعنی ملاصدرا) به مخالفت پرداخت و گاهی نظریات منحصر به فرد و مخالف با آنها بیان کرده است. ملاشمسا در زمینه رابطه صفات ذاتی با ذات، همچون معتزله، مشایبان و ملاصدرا قائل به عینیت صفات ذاتی با ذات است. او در حوزه علم پیشین خداوند به موجودات، قائل به قسم سومی (نه حصولی و نه حضوری) بود که همان ذات بحت و بسیط خداوند است و وجود موجودات را در تبیین علم خداوند، لغو و بی اعتبار می داند، ملاشمسا، علم خداوند به ذاتش را حضوری اقوی می داند و کاربرد علم اجمالی به معنای مشهور نزد حکما را در مورد خداوند جایز نمی داند که مقاله حاضر به روش کتابخانه ای در صدد ایضاح دیدگاه ملاشمسا در حوزه علم خداوند است.

کلمات کلیدی:

علم اجمالی، علم پیشین خداوند، علم حضوری اقوی، علم خداوند به ذاتش

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1526149>

